



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

راز و رمز بقا و نفوذ
نهضت حسینی
در میان شیعیان

محمد منصور نژاد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راز و رمز بقا و نفوذ نهضت حسینی در میان شیعیان

نویسنده:

محمد منصورنژاد

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	راز و رمز بقا و نفوذ نهضت حسینی در میان شیعیان
۶	مشخصات کتاب
۶	چکیده
۶	مقدمه
۸	بررسی موضوع
۱۹	جمع بندی و نتیجه گیری
۲۲	پاورقی
۲۵	درباره مرکز

نویسنده: محمد منصور نژاد

ناشر: محمد منصور نژاد

چکیده

این نوشتار با استفاده از روش پژوهش اکتشافی یا تولید انگاره در پی پاسخ به این پرسش است که چرا عکس العملی که شیعیان برای شهادت امام حسین علیه السلام دارند، برای هیچ کس دیگر، حتی پیامبر صلی الله علیه و آله ندارند. وجود فضایی چون جق طلبی، حماسه آفرینی، فداکاری و... در حماسه حسینی و پیام معنوی قیام امام حسین علیه السلام و جوه جامعه شناختی و روان شناختی و سیاسی قیام برخی از عواملی است که قیام آن حضرت را جاودانه می سازد، اما تأثیر عزاداری ها بر خلق و خوی و فرهنگ مردم و تأثیرپذیری عزاداری ها از عوامل دیگر را نمی توان نادیده گرفت. این عوامل همگی دست به دست هم داده و نهضت حسینی را نافذ و ماندگار ساخته است. کلیدواژه ها: قیام امام حسین علیه السلام، عزاداری، شیعه، بقا و نفوذ نهضت عاشورا، پیام ها و اثرات نهضت عاشورا.

مقدمه

۱. مسئله و سؤال پژوهش: آیا حضور انسان هایی با جمعیت میلیونی با لباس عزا، بر سر و سینه زنان در ایام محرم و عاشورا، ذهن کاوشگری را تحریک نمی کند که چه عواملی این همه انسان ها و خصوصاً جوانانی را - که به راحتی زیر بار فرمان، پیام و خواسته کسی نمی روند - از خانه ها بیرون کشیده و با آن خضوع و خشوع و هماهنگی به عرصه ها می کشاند؟ این کنش فردی و جمعی حداقل در ماه محرم، یک حرکت عادی و معمولی نبوده و جای تأمل فراوان دارد. از جمله پرسش های برانگیخته شده، آن است که رمز ماندگاری و نفوذ نهضتی در قرن ها قبل تاکنون، با کم و کیفی این چنین را باید در کجا جست؟ به عبارت واضح تر، پرسش اساسی آن نیست که رمز جاودانگی نهضت

حسینی به عنوان یکی از جریان‌ها حق طلبانه در تاریخ چیست؟ زیرا هم این پرسش درباره همه جریان‌ها و اشخاص حق طلب (اعم از دینی مثل ابراهیم و موسی و عیسی و... و غیر دینی) جای طرح دارد و حیثه پرسش، به افراد و جریان‌های باطل نیز می‌رسد و جا دارد پرسیم که چرا یاد آدمکشانی چون اسکندر، چنگیز و یزید در تاریخ جاودانه شد؟ پس بحث این نوشتار، پرسش از جاودانگی مطلق نیست؛ بلکه پرسش اساسی آن است که چرا عکس‌العملی که شیعیان برای شهادت امام حسین علیه السلام دارند، برای هیچ کس دیگر، حتی پیامبر صلی الله علیه و آله که اشرف آدمیان است، ندارند؟ (در فرهنگ شیعی مراسم سوم و هفتم برای پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌گیرند، چه رسد به اربعین)، حضور فراگیر، تأثیرات عجیب و غریب، هماهنگی‌های بالا در میان عزاداران، فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌ها، عزاداری مداوم و گاه تا اربعین برای شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش، آن هم پس از قریب ۱۴ قرن، آیا جای این پرسش را ندارد که رمز بقا و نفوذ نهضت حسینی با این کم و کیف از کجاست؟ [۱]. آنچه جای تأسف دارد، فقدان مباحث اساسی و ذو ابعاد در موضوع است. [۲] گرچه این نوشتار موجز را نیز تنها باید در آمدی بر موضوع تلقی نمود و تفصیل بحث را باید به فرصت دیگر و یا به صاحبان اندیشه و قلم وا گذاشت. ۲. روش پژوهش: واضح است که یک کار گسترده و عمیق، برای پاسخ به چنین سؤال سنگینی، نیاز به پژوهش‌های وسیع از طرق معتبر دارد. از جمله روش‌های پژوهش عبارت‌اند از: اول:

پژوهش میدانی و بهره بردن از تکنیک مصاحبه و پرسش نامه و سپس تحلیل محتوای مطالب؛ دوم: پژوهش اکتشافی یا تولید انگاره (Hypothesis generating Study). در این شیوه، با بهره بردن از مقدمات نسبتاً مشهور و مقبول، سعی در طرح ایده ها و فرضیه هایی پیرامون پرسش اصلی مقاله می گردد، که روش مختار این مقاله نیز همین روش اخیر است. در ضمن، اقتضای بحث حاضر و موضوع مورد بحث (نهضت حسینی و تأثیرات آن)، یک بحث بین رشته ای است و از این رو، از زوایای متعدد و با لسان و ابزارهای رشته های مختلف علمی، به بحث پرداخته خواهد شد. ۳. مقام تعلیل و تحلیل: در این نوشتار کوتاه، نه در «مقام توصیف» مراسم و عزاداری ها نشسته ایم. که البته جای پژوهش داشته و آثار مکتوب در این حوزه نیز اندک است؛ و نه در «مقام تجویز» به داوری نشسته و نقد بر جریانات و مراسمات داشته و برای شیوه مطلوب نسخه پیچی می کنیم (البته در این زمینه تا حد خوبی تلاش هایی صورت پذیرفته است)؛ بلکه سطح و مقام مورد توجه و تأمل، «مقام تعلیل و تحلیل» است. یعنی چرایی حضور عجیب و غریب و همگانی مردم ایران و حداقل شیعیان در مراسم عزای حسینی، مورد بحث و مذاقه قرار خواهد گرفت و فرضیه سازی خواهد شد.

بررسی موضوع

۱. آیا می دانیم که چرا یاد سقراط در تاریخ، با عظمت باقی مانده است و از او به نیکی یاد می شود؟ گرچه از زمان قتل او بیش از ۲۵ قرن گذشته و مثلاً ربطی به ما ایرانیان ندارد. آیا هرگز از خود پرسیده ایم که چرا نام «رستم» و حماسه های او بر صفحه جان ما ایرانیان می درخشد

و فراموش ناشدنی است؟ و آیا... شاید پاسخ اجمالی بدین پرسش‌های در حدّ فرضیه‌ای آن باشد که برخی از فضایل برای همه آدمیان در همه اعصار و مکان‌ها، زیبایی داشته و جذّاب بوده و قابل احترام اند و به تبع آنها، صاحبان آن فضایل نیز نامشان به نیکی یاد می‌شود. سقراط کشته راه آگاهی بخشی و روشنگری و هنر رستم، دفاع حماسی از این مرز و بوم است. چون پایداری در آگاهی بخشی و حق‌گویی زیبا است و فداکاری مطلوب، صاحبان این فضایل نیز جذّاب و ماندگارند، از این رو، نام بسیاری از صاحبان فضایل انسانی در صفحه جان‌ها می‌ماند. آیا نمی‌توان رمز بقا و نفوذ نهضت حسینی را به فضایی که در کربلا موج می‌زند (حق‌طلبی، حماسه‌آفرینی، فداکاری [۳] و...) بازگرداند؟ این پاسخ غلط نیست؛ ولی جامعیت ندارد. زیرا کسی برای صاحبان فضایل مثلاً سقراط [۴] و رستم، هر سال به خیابان‌ها می‌ریزد و این همه موج‌آفرینی ندارد و این آتش‌زدن قلوب و به حرکت در آوردن‌ها، خاصّ نهضت حسینی در میان شیعیان است. از این رو، پرسش اساسی بحث، حتی با توجّه به نکته یاد شده، بی‌پاسخ می‌ماند. از این رو سابقاً اشاره شد که رمز جاودانگی یک مطلب است و رمز جاودانگی به شیوه نهضت حسینی، بحثی دیگر ۲. آیا در یک نگاه «عرفانی - اخلاقی»، نمی‌توان بر روی این نکته تأمل نمود که اگر آدمیان واجد سه بُعد وجودی «جسم»، «عقل» و «قلب (دل)» هستند، هر سه بُعد یاد شده نیاز به تغذیه دارند و اگر پذیرفته باشد که از بین این ابعاد، قلب و دل از سایر ابعاد مهم‌تر است، غذای مربوط به این

حوزه نیز بر اهمیت تر از سایر ابعاد خواهد بود؟ اگر چنین باشد، نیاز قلبی و عطش باطنی پاسخ می‌طلبد و همه انسان‌ها به دنبال آن هستند که به نحوی به این خواسته، پاسخ مطلوب بدهند. از این جاست که پیام معنوی همه اولیای خدا و حتی پیامبران غیر توحیدی نیز دل‌ها را می‌لرزاند. پیام بیش از ۳۰۰۰ سال قبل «بودا» و «کنفوسیوس»، میلیون‌ها انسان را به دنبال خود کشانده و سیراب می‌کند. چه رسد به پیام‌هایی که دستی بر آسمان دارند که علی‌القاعده جامع‌ترند. رمز پایداری ادیان در میان بیشتر ملت‌ها را باید در این نیاز عمیق بشر جست. اگر چنین است، آیا نمی‌توان با این عامل به تحلیل نهضت حسینی پرداخت که این جریان برای قلب ما آدمیان، غذاهای مطبوع و دل‌پذیر فراوان دارد؟ اگر در کربلا فقط «عشق» وجود داشت و دیگر هیچ، آیا این غذا برای انسان‌ها کم‌اهمیت دارد؟ آیا غذایی بهتر از عشق، برای قلب می‌توان توصیه کرد؟ چرا حتی عشق‌های زمینی امثال «لیلی و مجنون» فراموش‌ناشدنی است؟ با این اوصاف و با این توجیه، رمز ماندگاری نهضت حسینی را در نیاز فطری، باطنی و قلبی آدمیان به غذاهای معنوی، باید جست و امام حسین علیه‌السلام این عطش را به خوبی و فراوانی برطرف می‌کند. توجه به این عامل در رمز بقای نهضت حسینی خطا نیست، ولی جامع‌الاطراف نیست؛ زیرا پیام معنویت و غذای قلبی فقط در سفره امام حسین علیه‌السلام نیست، گرچه دیگران مانند ایشان مورد توجه و عنایت و محبوبیت قرار نگرفته‌اند. عجیب است که مردم و یاران حتی غیر هاشمی امام حسین علیه‌السلام در کربلا،

امثال «حر بن یزید ریاحی» را بیشتر از بعضی معصومان علیهم السلام می شناسند و با آنها انس دارند. از طفل شش ماهه و سه ساله تأثیراتی می گیرند که از غالب انبیای الهی نمی گیرند. پس رمز این گستردگی نفوذ و ماندگاری در نهضت حسینی را در این عامل تنها نباید جست و این موضوع همچنان جای بررسی دارد و این پرسش هنوز هم پاسخ می طلبد. این جاست که کم کم باید به تأثیر عوامل خاکی، بشری و حتی غیر معنوی در ماندگاری و نفوذ نهضت نیز اشاره داشت. ۳. آیا از بُعد «جامعه شناختی» نمی توان به تفسیر رمز و راز بقا و نفوذ نهضت کربلا نشست؟ به نظر می رسد که از این بُعد نیز بر نکات چندی می توان به مطالعه و تفکر نشست: ۱ - ۳. بازیگران و میدانداران این عرصه، افراد محدود نیستند؛ بلکه این رخداد، کار گروهی سنگین، پیچیده، هماهنگ، موزون و هدفدار است و کار گروهی و تشکیلاتی اگر در جهت ایثارگری، فداکاری، معنویت خواهی، فضیلت طلبی و... باشد، بسیار ماندگارتر از کار فردی و شخصی است. این نحوه شهادت، امام حسین علیه السلام را از سایر معصومان علیهم السلام ممتاز و متمایز نموده و از این رو، شخصیتش نافذتر است. ۲ - ۳. از جهت «جامعه شناختی» این نکته نیز در خور تأمل است که بردن اهل و عیال و خانواده به همراه خود، در ثبت جزء به جزء حوادث و ادامه نهضت و نقل حوادث پس از روز عاشورا، از عوامل مؤثر انتقال آگاهی های مربوط به نهضت کربلا است. اگر نهاد خانواده اهمیت دارد، وفاداری ها در آن بالا است. اعضای آن نزدیک ترین افراد به همدیگر تلقی می شوند،

برای انتقال پیام نهضت نیز اعضای خانواده، محق‌ترین و مؤثرترین افرادند. از این رو، نهضت حسینی می‌تواند دقیق و جامع الاطراف حوادث آن، ثبت و منتقل شده و برای مشتاقان نقل و در خاطره‌ها ماندگار شده و از آن تأثیر بگیرند. ۳-۳. همچنین پدیده کربلا، در قالب نهضتی موج‌ظاهر شده که جریان‌ات اجتماعی مختلف را دامن زده شکل داده و مضمحل کرده (پراکندگی تجمّع یاران مسلم)، که خود به خود سرنوشت این جریان‌ات و گروه‌ها، قابلیت ثبت و ضبط از سوی مورخان و ناقلان را یافت و به دیگران منتقل شد. ۴-۳. این جریان و نهضت، از سوی نهاد «روحانیت» به جد مورد توجه قرار گرفته و بر روی آن تبلیغ شد. تنها امامی که شهادت او حوزه‌های علمیه را بیش از ده روز به تعطیلی می‌کشاند، امام حسین علیه السلام است. از این رو، از جهت جامعه‌شناختی، تأثیر تلاش‌های این شأن اجتماعی بر افکار عمومی را نمی‌توان نادیده گرفت. خصوصاً که جدای از روحانیت، مجالس حسینی از سوی هنرمندان در قالب‌های متعدد، شعر، نوحه، مرثیه، شبیه‌خوانی و... نیز با لسان تشبیه، تمثیل، استعاره، مجاز و... بسط داده شده و حتی گاه به تحریف لفظی و معنوی نیز کشانده شده است، ولی همین تحریف‌ها نیز در جاذب و نافذ نمودن ابعاد نهضت، اثر مثبت داشته‌اند. [۵]. ۵-۳. از بُعد دیگری نیز حضور عظیم مردم، بررسی جامعه‌شناختی را می‌طلبد. زیرا این نکته قابل پرسش و تأمل است که چگونه این حرکات جمعی، منظم و مکمل در ایام خاص، در بین جمعیت عظیمی به ظهور می‌پیوندند؟ ممکن است خاستگاه این تجمّع عظیم

را به سنت های دینی بازگرداند. امّا نکته اساسی آن جاست که چرا چنین سنت کم نظیر و عجیبی به وجود می آید؟ این هویت جمعی دینی، چگونه و چرا خلق می شود؟ چه چیزی سبب کنش جمعی هر ساله مردم است؟ گرچه ممکن است این حرکات را به «عادت ها» بازگرداند و تحلیل نمود و گفت چون فرد در فرهنگ شیعی، از کودکی با مراسم حسینی انس می گیرد، والدین، او را به مراسم عزاداری می برند و لباس سیاه بر او می پوشانند، پرچم و علایم عزا به دستش می دهند و خود او نیز در نوجوانی و جوانی اندک اندک این مراسم را تجربه می کند. از این رو، این سنت اجتماعی به صورت عادت در جان او رسوخ کرده و تا حدی ناخود آگاه در ایام محرم او را حساس نموده و به مراسم ها کشانده و به رعایت حرمت ها و حریم هایی وادار می کند. امّا باز می توان بحث را بیشتر ریشه یابی نموده و به تحلیل خاستگاه عمیق تر این عادت ها و سنت ها نشست. مثلاً این پرسش را که چرا یک فرد به سمت کار گروهی و کنش جمعی کشانده می شود، می توان به مباحث عمیق فلسفی و جامعه شناختی بازگرداند که انسان از روی فطرت و یا غریزه، مدنی الطبع است (و حتی اگر متوحش بالطبع نیز باشد، مدنی بالعقل است و به حسب ضرورت های عقلانی، نیاز به جمع، گروه و اجتماع دارد) و برای این که به جمعی نزدیک شود، معمولاً کسانی که با او هم سنخ ترند را مناسب تر تشخیص می دهد. حادثه کربلا، از عوامل وحدت بخش همه شیعیانی است که در فرهنگ شیعه با هم مسانخت دارند و احساس پیوند می کنند. از این رو، کنش جمعی مثل ایام

عاشورا شکل می گیرد و این حادثه، کنش جمعی را از آن رو برای همه بیشتر تسریع می کند که در طی قرون و اعصار، به رمز و رازها، اسطوره ها، اعجاز و کرامت ها و... پیوند خورده است. بنابر این جَدَّاب تر و قابل توجه تر و ماندگارتر است. ۶- ۳. بدین نکات مطلب دیگری را نیز می توان افزود که هویت ها معمولاً در مقابل هویت های مخالف شکل می گیرند. مراسم عزاداری از علایم و نمودها و جلوه هایی است که فرهنگ شیعی را در مقابل سایر فرهنگ ها و خصوصاً در مقابل هویت اهل سنت بازشناسی می کند. فرهنگ اهل سنت، فرهنگ حاکم جهان اسلام در اغلب قرون اولیه بوده و شیعه در اقلیت بوده است. این جمع محدود و محجور، به در کنار هم بودن، علایم و ویژگی های خاص داشتن و از دیگران باز شناخته شدن و طرح مفاخر فرهنگی و شخصیتی خود، نیاز داشته و این نیاز در هویت سازی شیعیان، انگیزه های لازم را برای در کنار هم بودن و ابراز وجود در ایام خاص، از طرق مختلف می داده است. و شعله نهضت حسینی نسبت به سایر موضوعات، بهانه مناسب تر برای وحدت و مقاومت و نزدیکی بوده است. پس به نظر می رسد که حادثه کربلا را به عنوان یک پدیده اجتماعی و با ادبیات علم جامعه شناختی نیز می توان به مطالعه نشست و زوایای ناگفته ای از آن را باز گفت و ابعاد ناشناخته ای را تحلیل نمود. این نگاه، با همه محاسنش، خصوصاً ابعاد معنوی نهضت، کاملاً توفیق ندارد و باید رمز و راز بقا و نفوذ نهضت را از زوایای دیگر نیز کاوید. ۴. آیا نمی توان در رمز و راز تأثیر فراگیر نهضت حسینی بر بزرگ

و کوچک، زن و مرد، فقیر و غنی و... به عوامل «روان شناختی» نیز اشاره داشت؟ یعنی آیا علاوه بر ابعاد معنوی نهضت، این حضور در صحنه‌ها خاستگاه روانی در افراد نیز ندارند؟ مثلاً در کدام مراسم، تجمع، گردهمایی، راهپیمایی و... افراد می‌توانند تا این حد ابراز وجود کنند، خود را اثبات و مطرح نموده و مقبول و مطلوب دیگران نیز بیفتند؟ تنها در مراسم مربوط به کربلا است که اگر فردی نیروی بدنی دارد، می‌تواند علم حمل کند، اگر خوش صدا است، می‌تواند بخواند، اگر پول دارد، خیرات کند و وجهه کسب کند، اگر ضعیف است، طعامی بخورد و سینه‌ای بزند، اگر قمه کش است، قمه بزند. اگر لطیف القلب است، اشک بریزد و اگر توان و انگیزه حضور فعال در عرصه را ندارد، به تماشای مراسم جذّاب و ذو ابعاد و وسیع بنشیند و لذت معنوی و دنیایی ببرد، و اگر زن است، به جای گوشه نشینی، به کوچه‌ها بریزد و در عرصه‌ها به صورت موجه و بی‌اشکال حاضر باشد، و اگر روحیه مدیریتی دارد، هیأتی را مدیریت کند و اگر... به عبارت دیگر، از جهت روان شناختی، چون در این مراسم‌ها در شرایط حاضر، همه افراد می‌توانند فعّالانه و آزادانه کنش جمعی داشته و ابراز وجود کنند، پس در نتیجه انگیزه لازم را برای از خانه بیرون زدن و در کنار دیگران بودن دارند و این جاست که نیاز به اجبار و اکراه از سوی دیگران نداشته و از حضور در عرصه‌ها، در محرم استقبال می‌کنند. از بُعد دیگری نیز حضور چشمگیر مردم خاستگاه روان شناختی می‌تواند داشته باشد. گفته شد که پیام عاشورا معنوی و قرین با فضیلت

است. اما با سایر پیام‌ها و فضیلت‌ها، این تفاوت جدی را دارند که در مقاطعی از اجرای مراسم حسینی جلوگیری شده است. از زمان شهادت آن حضرت و عصر اموی‌ها گرفته، تا زمان بنی‌العباس و به دست امثال متوکل‌ها، قبر و مزار امام حسین علیه السلام به آب بسته شده و مشتاقان زیارت او، تحقیر، تنبیه و حتی کشته شده‌اند. در عصر جدید نیز امثال رضا شاه پهلوی سعی در جلوگیری از مراسم حسینی و منابر و دسته‌روی‌ها داشته‌اند و حال آن‌که انسان از جهت روان‌شناختی این خصلت را دارد که نسبت به چیزی که بازداشته می‌شود، حرص و رغبت عجیب و شدیدی از خود نشان می‌دهد و گفته‌اند که: «الإنسان حریصٌ علی ما مُنع». اگر دولت‌ها سعی کردند که مردم عزاداری نکنند، مردم حساس شدند که این مراسم را تقویت کنند و در مخفیگاه‌ها به پا نمایند و بر آنچه منع شده‌اند، اهتمام ورزند. از نگاه این عامل، خاستگاه نهضت حسینی، صبغه فردی و روانی دارد و این خاسته، گرچه می‌تواند معنوی باشد، ولی لزوماً آسمانی و آخرتی نیست. از این رو، با این‌که به تعبیر امام حسین علیه السلام، مردم بنده دنیا هستند و دینداری لقلقه زبان آنها است (الناس عبیدُ الدنیا والدینُ لعقُّ علی السَّنتِهم)، ولی برای پاسخگویی به نیازهای شخصی، فردی و روانی خود، در این حرکات جمعی حضور فعال دارند و در بستر این نهضت، دستاوردهایی را دارند که در جای دیگر ندارند. این‌جا به گونه‌ای می‌توانند مورد توجه، حمایت و تشویق قرار گیرند که در جای دیگر حضورشان مورد اقبال نیست. این عامل نیز حداقل تبیینگر رفتار کثیری از آنانی

که با حرارت، عشق، شور و معنویت، به نحوی در عزاداری‌ها مشارکت دارند، نیست و از این رو، باید به عوامل دیگر نیز توجه داشت. ۵. از نگاه «سیاسی»، قدرتمندان و حکام تا چه حد در بقا و نفوذ نهضت حسینی مؤثر بوده‌اند؟ بی‌شک، حداقل در ایران، تأسیس دولت صفوی و رسمیت تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور، در گسترش بخشیدن به آداب و مناسک شیعی و از جمله عزاداری‌های نهضت کربلا، بسیار مؤثر بوده است و از آن پس، در عصر قاجار نیز تبلیغ مذهب تشیع توسط حکومت، در بسط شعائر شیعی بی‌تأثیر نیست. ولی چنانچه اشاره شد، اگر منع دولتی نتیجه عکس می‌دهد، تبلیغ و جدیت دولت‌ها در رسمی و حکومتی کردن نهضت کربلا، از عمق آن کاسته و چه بسا عکس‌العمل منفی مردم را نیز در پی داشته باشد. ضمن این که اگر گستره و عمق نهضت حسینی و عزاداری‌های آن را کاملاً به دولتمردان مثلاً صفویه گره بزنیم، با سقوط صفویه نیز باید این حضور و مشارکت و به سر و سینه زدن‌ها، افول کند و حال آن که چنین نشد. شاید بتوان از عوامل بقا و استمرار نهضت حسینی و علایق و دل‌بستگی‌ها شدید مردم را از آن جهت دانست که مدیریت تشکل‌های مذهبی و هیئت حسینی و اعضا و افراد شرکت‌کننده، عمدتاً غیر دولتی است و نهادهای فرهنگی مدنی از دلایل ایجاد علایق مردم است. از دلایل اقبال مردم به نهضت حسینی آن است که غالباً خودجوش و از پایین بوده، نه این که به دولت‌ها گره خورده باشد. از این رو، اگر عوامل سیاسی را در توسعه و گسترش عزاداری‌ها در مقاطعی مؤثر

بدانیم، هم این تأثیر همیشگی و همگانی نبوده و هم لزوماً باعث تعمیق، اقبال و پذیرش مردمی نمی شده و چه بسا در مقابل آن عکس العمل‌ها نیز شکل می گرفته است. امّا در یک سطح محدودتر، می توان از جهت سیاسی نیز دلایل ماندگاری نهضت حسینی و تأثیرات آن را بررسی نمود و آن بُعد ظلم ستیزی، استبدادگریزی، عدالتخواهی و نامشروع تلقی نمودن سلاطین عصر است. این بُعد سیاسی نهضت حسینی، برای آنانی که سر ستیز با حکام عصر و سلاطین وقت را داشتند، دست مایه بسیار ارزشمندی بوده که به تأسی از نهضت کربلا، حرکات خودشان را توجیه کنند و به آن نشاط و شور بخشند و مبارزان را به پایداری و مقاومت بکشانند. همچنین نیاز داشتند که از تکه تکه و شخص شخص کربلا، در راستای تلاش خود بهره برند و با زنده نگه داشتن یاد حسین و کربلا، کربلاهای دیگر خلق نمایند. ۶. نکته دیگری نیز که جای تأمل دارد، جذابیت امام حسین علیه السلام و نهضتش برای برخی نخبگان فکری - سیاسی حتی غیر مسلمان است. مثلاً چرا باید در قرن بیستم، امثال «گاندی» ها از امام حسین علیه السلام سخن بگویند و این نهضت برای اینان نیز جذاب و نافذ باشد؟ در پاسخ بدین پرسش می توان گفت که: اولاً: چنین متفکران و مصلحان و محییانی، به جهات موقعیت جغرافیایی و یا تضارب و تعامل فرهنگی با فرهنگ شیعی و با شیعیان، از نزدیک حرکات شور انگیز و گروهی شیعیان را در هاله ای از قداست و قرین با عزاداری ها و اشک ها دیده اند و از این جهت حداقل در اذهانشان این سؤال مطرح می شد که این حسین کیست

که چنین دیگران را به سر شوق و غم می آورد؟ ثانیاً: نهضت حسینی در ابعاد مختلفی، پیام های عمیق دارد. هم در بُعد اخلاقی، عزت بخش و قرین با معنویت بوده و هم در بُعد سیاسی - اجتماعی حامل پیام حماسه و مقاومت است. از این رو، هر مصلحتی که به دنبال درمان درد جوامع خود باشد، به تناسب نیاز و خلایق که حس می کرده است، از این دریای حسینی به اندازه ظرفیت وجودی خود بهره برده است و از نهضت حسینی تأثیر گرفته و درباره آن به داوری نشسته و از فضایل حسینی گفته است. از جهت کارکرد مثبت، نهضت حسینی در میان برخی غیر مسلمانان و غیر شیعیان نیز باقی مانده و نفوذ عمیق داشته است.

جمع بندی و نتیجه گیری

درباره عزاداری های حسینی به صورت فراگیر و همگانی، حداقل از دو زاویه می توان به تأمل نشست: اول: تأثیر این عزاداری ها بر خلق و خوی و فرهنگ مردم: در این صورت، این عزاداری ها به صورت «متغیر مستقل» مورد توجه قرار می گیرند (شیوه و کاری که نگارنده در کتاب تأثیر عزت و افتخار حسینی بر نهضت و انقلاب اسلامی انجام داده است)؛ دوم: تأثیر پذیری عزاداری ها از عوامل دیگر: در این صورت حضور در صحنه مردم به صورت «متغیر وابسته» مورد تأمل قرار خواهد گرفت. کاری که به تبع پرسش این نوشتار (راز و رمز بقا و نفوذ نهضت حسینی در طی اعصار و قرون چیست؟)، به صورت موجز در این جا مورد عنایت قرار گرفته است. بد نیست حاصل بحث، با بهره گرفتن از تمثیلی بیان شود: اگر آتشی را در جایی ببینیم، حداقل از دو جهت درباره آن می توان به تحقیق نشست: اول آن که

شعله برافروخته شده از چه چیزی بوده و تا چه حد قوی و نیرومند است؟ دوم آن که، محیط برای مشتعل شدن این شعله تا چه حد مساعد بوده است؟ زیرا مثلاً شعله کبریت بر روی خاک و سنگ خاموش می شود و تنها در فضای مساعد است که خانمانسوز بوده و یا مفید می افتد. در تعلیل آتشی که از نهضت حسینی بر جان حداقل شیعیان افتاده و هر روز شعله ورترا نیز می گردد، می توان پرسید که تا چه حد، این آتش به خود شعله و امام و یارانش باز می گردد و تا چه اندازه بسترها و محیط بر آن مؤثرند؟ از جهت خود شعله می توان گفت که: ۱. آتش کربلا متأثر از شمشیر و منتهی به خون بوده که در مقابل مرگ عادی و یا قتل بدون خونریزی، جانسوزتر و جان گدازتر است. ۲. این شعله، گروهی و جمعی بوده و از شعله فردی، سوزاننده تر است. ۳. از طفل صغیر تا پیران را در خود داشته، که برای همه اقشار جدّابیت دارد. ۴. میدانداران اصلی آن از خاندان وحی بوده و شخصیت کلیدی نهضت، امام معصوم بوده است. ۵. این نهضت، توسط دیگر افرادی که حاضر و ناظر بودند، به خوبی پرورانده شده و به دیگران منتقل شده است. ۶. این کشته شدن، قرین با معنویت، طهارت و قداست بوده و نیز به فضیلت های بشری مثل عزّت، وفای به عهد، عشق، وحدت و... محفوف بوده است که برای دینداران و حتی افراد بی دین حامل پیام است. ۷. و نهایتاً این که، نباید در خاص و ویژه کردن این شعله، از رذالت و دنائت لشگریان عمر سعد نیز چشم پوشی کرد، که شعله حق خواهی، مظلومیت و عزّت طلبی را به

شدت مشتعل نمودند. اما از جمله بسترها و عوامل بیرونی که در رمز و راز ماندگاری و تعمیق نهضت مؤثرند، عبارت اند از: ۱. وجود نیاز فطری و باطنی انسان ها به معنویت، فضیلت، حماسه و پیام های سازنده. زیرا نهضت حسینی غذای روحی سالم، برای همه مشتاقان و شیفتگان دارد. ۲. منع و انکار قدرت های عصر، در حساس و درونی کردن نهضت بی تأثیر نبوده است. چنانچه بعضی از حکام نیز در گسترش دادن عزاداری ها و مراسم حسینی بی نقش نبوده اند. ۳. از بُعد روانی نیز افراد مختلف و از طرق گوناگون می توانند در این مراسم خود را یافته و اثبات کنند و لذا حضور در عزاداری ها، برای آنان جذاب است. ۴. از بُعد جمعی، هویت یابی شیعیان در مقابل پیروان سایر مذاهب و نیاز انسان ها به زندگی جمعی با همکیشان و همسنخان، از دلایل کنش های جمعی مذهبی و نیز در رابطه با این نهضت است. به عبارت دیگر، عمده شدن سنت عزاداری و تبدیل به عادت جمعی شدن، خاستگاه های درونی تر در آحاد جامعه دارد. ۵. نقش بازیگری غیر دولتی و نهادهای مدنی و خودجوش در تقویت، تثبیت و تعمیق نهضت را نباید دست کم گرفت. چون حرکت های از پایین و مردمی، معمولاً بیشتر مورد اقبال دیگران قرار گرفته و نافذتر و ماندگارترند. ۶. نقش هنر در درونی کردن نهضت در قالب های مختلف (وعظ، شعر، مرثیه، شبیه خوانی، نقاشی و...) و ماندگاری آن، بسیار قابل توجه می باشد. ۷. ذو ابعاد بودن نهضت، حتی دامنه پیام های این رخداد را به اماکن و اشخاصی که به گونه ای با شیعیان مرتبطاند، نیز رسانده و در نتیجه، این نهضت گسترش بیشتر یافته و ماندگارتر شده است. ۸. انس انسان های معمولی به اسطوره و

حوادث پر رمز و راز، بر قداست و تأثیر گذاری این نهضت اثر ویژه داشته است (و در تقدس زایی نباید از ویژگی های فردی امام حسین علیه السلام نیز غفلت کرد) و... نهایتاً این که، در این پژوهش کوتاه، با هدف «اکتشافی»، تلاش بر آن بوده است که در پاسخگویی به این پرسش که «چرا نهضت حسینی تا این حد، نافذ و ماندگاری باقی مانده است؟» از زوایای متعدد فرضیه هایی مورد توجه قرار گرفته و مقدمه ای برای بحث اساسی و عمیق در موضوع فراهم آید. امید است که مطلوب افتد و مقبول واقع شود.

پاورقی

[۱] نگارنده، بر روی این پرسش سابقاً نیز تأملاتی اندک داشته است؛ ولی در کنگره اخیر مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام (اسفند ۱۳۸۱)، وقتی سخنران مراسم افتتاحیه، با پاسخ های سطحی به این پرسش اساسی پرداخت (مثلاً اخلاص یا ویژگی های وراثتی و خانوادگی امام حسین را رمز بقا و نفوذ گسترده نهضت می دانست و حال آن که چنین ویژگی هایی را سایر معصومان نیز واجدند)، عزم جزم شد تا تأمل بیشتری بر موضوع داشته باشد.

[۲] در منابع مشهوری چون مقاتل که مباحث تحلیلی نیامده است. و در کتب نویسندگان معروف تاریخ معاصر ایران، مثل حسین وارث آدم (شریعتی)، یا مقاله حسین بن علی و جلال الدین رومی (از کتاب قمار عاشقانه، دکتر عبد الکریم سروش)، پرتوی از عظمت حسین علیه السلام (آیت الله صافی)، پس از پنجاه سال پژوهش پیرامون قیام امام حسین علیه السلام (دکتر سید جعفر شهیدی) و... نیز به سؤال اصلی مورد بحث پرداخته نشده و تنها نگاه های محدود و یا ناقص و غیر قانع کننده ای به پرسش در منابع زیر منعکس شده

است: آیتی محمد ابراهیم، بررسی تاریخ عاشورا، کتاب خانه صدوق، ۱۳۴۷، ص ۱۲۸ - ۴۷؛ چوبینه سجاده، نگاه فلسفی به جریان عاشورا، انتشارات ابرار، ۱۳۷۷، ص ۸۲ - ۵۹؛ باقی نصر آبادی علی، عوامل پایداری و جاودانگی نهضت عاشورا، مجله حکومت اسلامی، ش ۲۷، بهار ۱۳۸۲، ص ۳۴۸ - ۷۴.

[۳] گفته اند که «تعرف الأشياء بأضدادها»، از راه های شناخت یک چیز، شناخت جبهه مقابل آن است. اگر در کربلا، فضیلت در یک طرف لشکر موج می زند، اقسام رذیلت ها از سوی لشکر مقابل دیده می شود که باعث شناخته شدن فضایل و صاحبان فضایل گردیده و هم ایجاد مظلومیت خاص نموده، که قلب ها را جریحه دار کرده و تأثیر زاید الوصفی دارد و هم سبب شده که هیچ مورّخی آن عصر را بررسی نکند، مگر آن که از امام حسین و یارانش بگوید و لذا نهضت حسینی ثبت و ضبط و ماندگار شد.

[۴] برای آشنایی بیشتر با سقراط حداقل ر. ک: برن ژان، سقراط، ترجمه دکتر ابوالقاسم پور حسینی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، (چاپ دوم) ۱۳۷۴؛ ورنر شارل، حکمت یونان، ترجمه بزرگ نادرزاد، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، (چاپ دوم) ۱۳۷۳، ص ۷۳ - ۴۲.

[۵] بزرگانی در مقابل این تحریفات ایستاده اند که حاج حسین نوری، مؤلف لؤلؤ و مرجان و استاد مطهری در تحریفات عاشورا از دیگران مشهورترند. در نوشتار حاضر پرسش آن نیست و دغدغه نیز آن نبوده که آیا این حضور عمومی مردم در قالب های مختلف صواب است یا ناصواب، درست یا نادرست، زلال است یا غیر زلال و... بلکه مجموعه این حضور با همه حسن و عیبش مورد توجه است و چرایی این مشارکت، عجیب

مورد توجه است و بحث در حسن و عیب، مربوط به مقام تجویز است.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

